



محاسبه

کلیدواژه: محاسبه، عمومیت محاسبه، اعمال، عصمت، امامان معصوم علیهم‌السلام، .

پرسش: با توجه به این‌که خدا می‌فرماید: «در روز قیامت ما همه را به حساب می‌آوریم»، چه‌گونه ممکن است که امامان معصوم باشند؟!

پاسخ: از تفسیر آیه روشن است که آنچه از انسان سر می‌زند، در پرونده عمل او ثبت می‌شود و در قیامت به شکل کتابی در اختیار او قرار می‌گیرد. حتی اعمال امامان معصوم - علیهم‌السلام - نیز ضبط می‌گردد. آیات فراوانی دیگری نیز این عمومیت محاسبه را (چه برای **معصوم** و چه غیر معصوم) مورد تأکید قرار می‌دهد. به عقیده ما بین محاسبه و **عصمت** نه تنها منافاتی نیست، بلکه این عین **عدالت** است که تمام انسان‌ها در روز قیامت مورد محاسبه قرار گیرند. این محاسبه به معنای این است که اگر انسانی کار بدی انجام داد به حساب می‌آید و اگر کار خوبی هم انجام داد ضبط می‌گردد: «**فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره • و من يعمل مثقال ذرة شراً یره**»؛ ^[۱] **زلزال (۹۹)**، آیه ۷ و ۸.

. حتی اگر انسانی در تمام دوران عمرش گناه و اشتباهی را مرتکب نشود و معصوم باشد به اعمالش رسیدگی می‌شود و حکم می‌شود که گناهی را مرتکب نشده است؛ از این رو باید گفت که صرف ضبط اعمال برای حساب و **کتاب** دلیل نمی‌شود که کسی معصوم نباشد. چه این‌که اگر این‌گونه فکر شود نباید به عصمت پیامبر **اسلام** نیز حکم کنیم. درحالی‌که آن حضرت معصوم است و داخل در عموم حساب‌رسی است.

بر این اساس باید دید که آیا دلیلی بر **عصمت امامان** وجود دارد یا نه؟ این سؤالی است که باید با ادله عقلی و نقلی بدان جواب داده شود. ما قائل به عصمت ائمه هستیم و برای اثبات این مدعا دلائل نقلی و عقلی فراوانی داریم.

فهرست مندرجات

- ۱ - آیه ۱۲ سوره یاسین
- ۲ - مراد از "ما قدموا" و "و آثرهم"
- ۳ - عمومیت محاسبه
- ۴ - نمونه‌ای از آیات
 - ۴.۱ - آیه ۱۲ و ۱۴ سوره اسراء
 - ۴.۲ - آیه ۵۲ و ۵۳ سوره قمر
 - ۴.۳ - آیه ۷ تا ۲۱ سوره مطففین
- ۵ - محاسبه اعمال و عصمت
- ۶ - اثبات ضرورت عصمت برای امامان
 - ۶.۱ - ا. دلائل عقلی
 - ۶.۱.۱ - معتمد بودن امام
 - ۶.۱.۲ - محبوب بودن امام
 - ۶.۱.۳ - وجوب اطاعت از امام و احترام به مقام او
 - ۶.۱.۴ - حفظ شریعت در علم و عمل
 - ۶.۲ - ب. دلائل نقلی
 - ۶.۲.۱ - آیه امامت
 - ۶.۲.۲ - آیه تطهیر
 - ۶.۲.۳ - آیه اطاعت
 - ۶.۲.۴ - حدیث ثقلین
- ۷ - بانویس
- ۸ - منبع

آیه ۱۲ سوره یاسین

برای پاسخ به این سؤال چاره‌ای جز پرداختن به تفسیر این آیه نداریم؛ زیرا ابتدا باید مراد اجمالی آیه فهمیده شود و در مرحله بعد باید تناقض ناشی از فهم اشتباه آیه حل شود.

قرآن به تناسب بحثی که در آیات گذشته پیرامون اجر و **یاداش**، پر **ارزش مؤمنان** و پذیرندگان انذارهای **انبیا** آمده بود، در این آیه به مسئله **معاد** و رستخیز و ثبت و ضبط **اعمال** برای حساب و جزا اشاره کرده، می‌فرماید: «**إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ ءَاثَرَهُمْ وَ كَلِّمُوا شَرِيحًا أَوْحَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مَّبِينٍ**»؛ ^[۱] **یس (۳۶)**، آیه ۱۲.

ما **مردگان** را زنده می‌کنیم، نه تنها مردگان را زنده می‌کنیم، بلکه تمام آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم. بنابراین چیزی فروگذار نخواهد شد، مگر این‌که در **نامه اعمال** برای **روز** حساب محفوظ خواهد بود.

مراد از "ما قدموا" و "و آثارهم"

جمله «**مَا قَدَّمُوا**» (آنچه را از پیش فرستادند) اشاره به اعمالی است که انجام داده‌اند و اثری از آن باقی نمانده، اما تعبیر به «**و آثارهم**» اشاره به اعمالی است که از **انسان** باقی می‌ماند و آثارش در محیط منعکس می‌شود؛ مانند صدقات جاریه (بناها و اوقاف و مراکزی که بعد از انسان باقی می‌ماند و مردم از آن منتفع می‌شوند). در پایان آیه برای تأکید بیش‌تر می‌افزاید: "ما همه چیز را در کتاب **اشکار** احصا کرده‌ایم".

[۱۳] مکارم شرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۳۲-۳۳۳.

[۱۴] قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۹، ص ۵۲۸؛ نرم‌افراز جامع التفاسیر.

عمومیت محاسبه

با توجه به **تفسیر** بیان شده روشن می‌شود که مراد از این **آیه** آن است که اعمال بندگان حتی اعمال امامان در **روز قیامت** (مانند سایر انسان‌ها) مورد حساب قرار می‌گیرد. آیات فراوانی دیگری نیز در این مورد وجود دارد که از آنها عمومیت **محاسبه** فهمیده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

نمونه‌ای از آیات

← آیه ۱۲ و ۱۳ سوره اسراء

«و كلّٰ اِنْسَانٍ اَلْمِزْنَةَ طَائِرَهُ فِى عُنُقِهِ وَ نَخْرَجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقِيهِ مَنشُورًا • اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»؛ [۱۵] **اسراء (۱۷)**، آیه ۱۲ و ۱۳.

ما نتیجه کردار نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم و در روز قیامت نامه اعمال او را بیرون آوریم، در حالی که آن نامه چنان باز باشد که همه آن را به یک باره ملاحظه کند و به او خطاب رسد که خودت نامه اعمالت را بخوان که تنها برای حساب خود کافی هستی.

← آیه ۵۲ و ۵۳ سوره قمر

«و كلّٰ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِى الزَّبْرِ • وَ كَلّٰ صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ مُّسْتَطَرًّا»؛

[۱۶] **قمر (۵۴)**، آیه ۵۲ و ۵۳.

همه کردارشان در کتابی ثبت شده و اعمال کوچک و بزرگ در آن جا نگاشته و محفوظ خواهد بود.

← آیه ۷ تا ۲۱ سوره مطفین

«كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِى سَجِّينٍ • وَ مَا أَدْرِيكَ مَا سَجِّينَ • كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ... كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِى عِلِّينَ • وَ مَا أَدْرِيكَ مَا عِلِّينَ • كِتَابٌ مَّرْقُومٌ • بَشْرُهُ الْمُغْرِبُونَ»؛

[۱۷] **مطفین (۸۳)**، آیه ۷ و ۲۱.

این چنین نیست که منکران می‌پندارند. البته روز قیامت بدکاران با نامه عمل سیاهشان در عذابى سخت محبوس اند و چگونه بر حقیقت این زندان سخت آگاه توانی شد؟ کتابی است که به قلم حق تعالی نگاشته شده است. چنین نیست که شما کافران و تبه‌کاران پنداشتید. امروز نیکوکاران عالم با نامه اعمالشان در بهشت عالی مقام خواهند بود و تو چه‌گونه بر حقیقت عالی رتبان آگاه خواهی شد؟ کتابی است که به قلم حق تعالی نوشته شده، که نیکان به مقام عالی راه یابند و مقربان درگاه حق به مشاهدۀ آن مقام نایل آیند.

محاسبه اعمال و عصمت

حال که روشن گردید آیات دال بر فراگیر بودن محاسبه دارد (چه معصوم و چه غیر معصوم) باید دید که آیا بین محاسبه اعمال و عصمت منافاتی وجود دارد یا نه؟ بدیهی است که محاسبه اعمال همه بندگان عین عدالت است، اما این محاسبه به معنای این است که اگر

انسانی کار بدی انجام داد، به حساب می‌آید و اگر کار خوبی هم انجام داد، ضبط می‌گردد. : «**فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ • وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ**»؛

[۱۸] **زلزال (۹۹)**، آیه ۷ و ۸.

پس هرکس به وزن ذره‌ای نیکى کرده باشد، آن را می‌بیند و هرکس به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد، آن را می‌بیند. حتی اگر انسانی در تمام دوران عمرش گناه و اشتباهی را مرتکب نشود و معصوم باشد به اعمالش رسیدگی می‌شود و حکم می‌شود که گناهی را مرتکب نشده است؛ از این رو باید گفت که صرف ضبط اعمال برای حساب و کتاب دلیل نمی‌شود که کسی معصوم نباشد. چه این‌که اگر این‌گونه فکر شود، نباید به **عصمت پیامبر اسلام** نیز حکم کنیم؛ درحالی‌که ایشان نیز درحالی‌که معصوم است، داخل در عموم حساب‌رسی است.

براین اساس باید دید که آیا دلیلی بر **عصمت امامان** وجود دارد یا نه؟ این سؤالی است که باید با ادله عقلی و نقلی بدان جواب داده شود که در ذیل به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود:

← **أ. دلایل عقلی**

← ← **معتمد بودن امام**

از آن‌جا که **امام** حافظ شرع و تبیین‌کننده رسالت انبیا و مربی انسان‌هاست باید صددرصد مورد **اعتماد** مردم باشد و در صورت **معصوم نبودن** این اعتماد از بین می‌رود.

← ← **محبوب بودن امام**

اگر امام مرتکب معصیت شود، احترام و محبوبیت او از دل‌ها خارج می‌شود و دیگر از دستورات او پی‌روی و اطاعت نمی‌شود؛ در نتیجه فایده نصب امام منتفی می‌گردد.
[۹۱] مظفر، مجدرضا، دلائل الصدق، ج ۴، ص ۲۱۹.

← ← **وجوب اطاعت از امام و احترام به مقام او**

اگر امام معصوم نباشد و مرتکب **گناه** شود، محکوم نمودن و **مجازات** او از باب امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌شود؛ درحالی‌که چنین برخوردی با امام اولاً: غرض از نصب امام را نقض می‌کند؛ ثانیاً، با آیه اطاعت (نساء، ۵۹) **[۱۰۱] نساء (۲)، آیه ۵۹.** منافات دارد؛ زیرا که آیه مذکور، **اطاعت** از امام و احترام به مقام او را به‌طور مطلق **ذکر** کرده است.
[۱۱۱] مظفر، مجدرضا، دلائل الصدق، ج ۴، ص ۲۲۲.

← ← **حفظ شریعت در علم و عمل**

امام مانند پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - حافظ شرع است، لذا باید معصوم باشد؛ زیرا مراد از حفظ و نگهداری، حفاظت علمی و عملی است و بدیهی است که حفظ **شریعت** در **علم و عمل** تنها با داشتن عصمت امکان‌پذیر است. و سایر ادله‌ای که مجال بیان آن نیست.

← **ب. دلایل نقلی**

در **قرآن کریم** درباره **عصمت انبیا** و **ائمه علیهم‌السلام** آیاتی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

← **آیه امامت**

«و اذا بتلی ابراهیم ربه... قال لاینال عهدی الطالمین»؛ "بیاد آر هنگامی که خدا **ابراهیم** را به امری امتحان فرمود و او همه را به‌جای آورد و خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی **خلق** برگزینم. ابراهیم عرض کرد: این پیشوایی را به فرزندان من نیز عطا خواهی کرد؟ فرمود که عهد من به مردم ستم‌کار نخواهد رسید."
[۱۲۲] بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

این **آیه** تصریح دارد که عهد الهی که همان منصب امامت باشد، به ظالمان نمی‌رسد.

← ← **آیه تطهیر**

«... انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»؛ "**خداوند** چنین می‌خواهد که رجس هر آلایش را از شما **خانواده** نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند."
[۱۲۳] احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

دلالت این آیه بر عصمت **اهل بیت علیهم السلام** بدین گونه است که تعلق گرفتن **مشیت الهی** به تطهیر اهل بیت از هر نوع پلیدی مساوی و ملازم با عصمت آنان از **گناه** است.

[۱۴] **سیحانی، جعفر، منشور عقاید امامیه، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ شایان ذکر است که اراده تکوینی حق بر عصمت اهل بیت، مایه سلب اختیار آنان نیست؛ همان گونه که وجود عصمت در پیامبران نیز موجب سلب اختیار آنان نیست.**

← آیه اطاعت

«**يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم...**»؛ «ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف رسول را اطاعت کنید».
[۱۵] **نساء (۳)، آیه ۵۹.**

این **آیه** نیز از جمله آیاتی است که دلالت بر عصمت امامان - علیهم السلام - دارد؛ زیرا آیه، اطاعت رسول و اولی الامر را مطلق بیان کرده و مشروط به شرطی ننموده است. اطاعت مطلق از رسول و **اولی الامر** در صورتی صحیح است که در راستای اطاعت خدا باشد و گرنه امر به اطاعت مطلق از خدای متعال و اطاعت مطلق از کسانی که در معرض خطا و **انحراف** هستند، موجب تناقض خواهد بود.
[۱۶] **مصباح یزدی، مجدتقی، آموزش عقاید، ص ۲۰۲.**

← حدیث ثقلین

پیامبر - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «**انی تارک فیکم الثقلین! کتاب الله و عترتی (اهل بیته) انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض**»؛ من در حالی شما را ترک می کنم که در میان شما دو گوهر گران بها به امانت گذاشته ام، کتاب خدا و اهل بیت، این دو هرگز از هم دیگر جدا نمی شوند، تا در **حوض کوثر** بر من عرضه شوند.

به **حکم** این **حدیث** که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - اهل بیت و [۱۵] خود را همسنگ قرآن قرار دادند و تأکید کردند که هیچ گاه از آن جدا نمی شوند، دلیل روشنی بر **عصمت** آنان است.

پانویس

۱. ↑ **زلزال (۹۹)، آیه ۷ و ۸.**

۲. ↑ **یس (۳۶)، آیه ۱۲.**

۳. ↑ **مکارم شرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۳۳-۳۳۲.**

۴. ↑ **قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۹، ص ۵۲۸؛ نرمافراز جامع التفاسیر.**

۵. ↑ **اسراء (۱۷)، آیه ۱۳ و ۱۴.**

۶. ↑ **قمر (۵۴)، آیه ۵۲ و ۵۳.**

۷. ↑ **مطففین (۸۳)، آیه ۲۱ و ۲۰.**

۸. ↑ **زلزال (۹۹)، آیه ۷ و ۸.**

۹. ↑ **مظفر، مجدرضا، دلائل الصدق، ج ۴، ص ۲۱۹.**

۱۰. ↑ **نساء (۳)، آیه ۵۹.**

۱۱. ↑ **مظفر، مجدرضا، دلائل الصدق، ج ۴، ص ۲۲۲.**

۱۲. ↑ **بقره (۲)، آیه ۱۲۴.**

۱۳. ↑ **احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.**

۱۴. ↑ **سیحانی، جعفر، منشور عقاید امامیه، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ شایان ذکر است که اراده تکوینی حق بر عصمت اهل بیت، مایه سلب اختیار آنان نیست؛ همان گونه که وجود عصمت در پیامبران نیز موجب سلب اختیار آنان نیست.**

۱۵. ↑ **نساء (۳)، آیه ۵۹.**

۱۶. ↑ **مصباح یزدی، مجدتقی، آموزش عقاید، ص ۲۰۲.**

منبع

پانگاه اسلام کوئست.